

ای ثابت بر پیمان نامهٔ اخیر رسید و بر مضمون مفصل اطلاع حاصل گردید ...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۳۱۳

جناب آقا میرزا احمد

ای ثابت بر پیمان نامهٔ اخیر رسید و بر مضمون مفصل اطلاع حاصل گردید قضیهٔ واقعهٔ مجلس در طهران مختصرش اینست که این مجلس را علمای سوء که هر دم فتوا بر خون مظلومان میدادند تأسیس نمودند و این حرکت مشروطیت در طهران منبعث از احساسات خیرخواهانه و مبنی بر نیت صالحه نبود جمعی از علما مقصد ازدیاد نفوذ و تسلط عظیم بر دولت و ملت داشتند مشروطیت را بهانه ساختند و این علما همان نفوسی بودند که بر منابر نعره میزدند و میگفتند که بهائیان دشمن دولتند ارادهٔ الهیه بر آن تعلق یافت که مصلح از مفسد ممتاز گردد لهذا این مسئله مشروطیت بر اعلیحضرت شهرباری واضح و مشهود نمود که مصلح کیست و مفسد کیست و بقسمی این مجلس تجاوز از حد نمودند و بر ظلم و اعتساف برخاستند که بر افراد ملت واضح و مشهود شد که آنان را مقصد هدم بنیان سلطنت و قلع و قمع سریر تاجدار است و تفصیل در مکتوبی از طهران مذکور لفاً ارسال میشود چون قرائت فرمائید بر مقاصد و تجاوزات حضرات اطلاع خواهید یافت نهایت باعلیحضرت شهرباری نارنجک انداختند و مرتکبین این جرم بعضی از متعلقین مجلس بودند چون مجرمین را حکومت در مجلس طلب نمود بمقاومت برخاستند و جمعی از لشکریان را بکشتند و بعد محفلی آراستند که اعلیحضرت را خلع نمایند و ولیعهد را بر تخت نشاندند و ظل زائل یعنی ظل السلطان را مدار و وکیل بر امور سلطنت نمایند و جمیع امور تفویض بحضرت ظل السلطانی شود اعلیحضرت شهرباری ملاحظه کردند که آنان اول نارنجک انداختند و بعد قزاقها را کشتند و شلیک نمودند و بر خلع اعلیحضرت قیام کردند در مقابل این تجاسر مجبوراً بر ازالهٔ آن مجلس شدند ولی مشروطیت را فسخ نفرمودند و الآن مشغول بانتخاب مجلس ملت هستند باتمام قوانین و نظامات مشروطه جمیع امور در محور عدل دوران نماید وقتی که حضرات علما با شوکت و دبدبه و کمال عظمت و طنطنه و حضرات صدارتپناهی در معیت ایشان با طبل و دهل وارد طهران شدند و سه شبانه روز چراغان کردند این حزب مظلوم از طهران بمن مرقوم نمودند که تا بحال با وجود آنکه این علمای ظلم بدرجهٔ مخدول بودند باز هر روز چنگ و دندان بخون این بیگانهان آلوده و رنگین مینمودند دیگر حال معلوم است که چه خواهند کرد باری چون ناله و فغان و فریاد یاران بعنان آسمان رسید این آواره در جواب مکتوبی مفصل بنگاشت که شما گوی این عزت عرضی نخورید زیرا عزت حضرات مانند ابر



تابستانست و بمثابه سرابست عنقریب مبدل گردد و این های و هوی منقلب بوی وای شود و حضرات علما آخور را دیدند ولی آخر را ندیدند عنقریب پریشان و پشیمان شوند و بخسran مبین گرفتار گردند

باری مختصر آن مکتوب در مکتوب دیگر به بارفروش مرقوم شد سواد آن مختصر ارسال میگردد باری من بیاران نوشتم که شما بکلی از مداخله در امور سیاسی بنص قاطع جمال مبارک ممنوعید ابداً بانجنی همدم نگردید و عضویت مجلس را قبول ننمائید حتی از این امور وجهاً من الوجوه دم زنید ساکت و صامت باشید و مطیع و منقاد هر حکومت از فتنه و فساد بیزار گردید و از جمیع احزاب در کنار باشید در آنوقت بعضی از ضعیفا اعتراض نمودند که مدار این هیجان عمومی بر تحصیل عدالت و دفع مضرت است با وجود این چرا باید مذموم و مقدوح باشد عاقبت با اثر قلم خود نگاشتم که این حرکت جمهور آن حرکتی است که در نص کتاب چهل سال پیش صریحاً مذکور که خطاب به طهران میفرماید و آن لوح بجمع السن شرق و غرب ترجمه شد و سی سال پیش طبع گردید و در جمیع آفاق منتشر است مراجعت نمائید حقیقت حال واضح شود لهذا هر نفسی که خیرخواه عالم انسانیت باید از این جمع در کنار و از فساد و فتنه متجنب و بیزار باشد و اگر نفسی مخالفت نماید بندامت عظیمه گرفتار شود بعضی از بیخردان استهزاء فرمودند حال یا اسفا علینا میفرمایند

باری ما را جائز نه که باینگونه اذکار پردازیم ولی محض محبت بشما مجبور بر نگارش این قضیه شدم ما را روش و مسلک واضح و معلوم و در الواح مصرح و مرقوم در امور سیاسی و هر امری که تعلق بجسمانی دارد مدخلی نه ما را محور افکار عالم اخلاق است تا حقایق انسانیّه عموم متفق شده و متحد گردیده مظهر سنوحات رحمانی گردد الحمد لله با جمیع ملل و احزاب عالم صلح و آشتی نموده ایم با هیچ حزبی کلفتی نداریم بلکه با جمیع الفت جوئیم و بقدر قوت در خیرخواهی کل حتی دشمنان بنهایت مهربانی کوشیم اینست فرائض قطعیه و واجب و لازم بر ما و بموجب نصوص قاطعه باید بکوشیم و بجوشیم و راحت جان و دل فراموش نمائیم و مال و منال انفاق نمائیم و خویش را قربان و فدا نمائیم تا نزاع و قتال را بنیاد براندازیم و خیمه وحدت عالم انسانی برپا نمائیم جمیع قبائل و شعوب و دول و ملل را بر صلح و آشتی و راستی و دوستی و حقیقت پرستی دلالت و هدایت بلکه مجبور نمائیم لهذا ابداً جائز نه که احباب در منازعات احزاب در ایران مداخله نمایند و طرف گیری کنند اگر ممکن این جدال و نزاع را زائل کنند والا کتاره گیرند یاران الهی چون بموجب این تعالیم رفتار نمودند از جمیع بلایا و مشکلات محفوظ و مصون ماندند و علیکم البهاء الأبهی